

دین و زندگی

- ۱- گزینه «۳» - آیه صورت سوال به نیازمندی موجودات به خداوند اشاره دارد و موجودات پیوسته از خداوند درخواست رحمت دارند زیرا همیشه نیازمند او هستند. پس فهم آیه «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله» ما را به فهم و گفتن این عبارت که «یَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» سوق می دهد. (احدزاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۱۰)
- ۲- گزینه «۲» - افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش عبودیت و بندگی (احدزاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۱۰)
- ۳- گزینه «۱» - با اینکه ما به وجود خداوند و آفریدگار جهان پی می بریم و صفات و اسماء او را می توانیم بشناسیم، از همین رو پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:
تفکروا فی کُلِّ شَیْءٍ وَ لَا تَفْکَرُوا فِی ذَاتِ اللَّهِ / در هر چیز تفکر کنید، ولی در ذات خداوند تفکر نکنید.
(احدزاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۱۳)
- ۴- گزینه «۲» - یک تفاوت بنیادی و اساسی میان دو رابطه مذکور وجود دارد. خداوند خالق و پدیدآورنده اجزای ساختمان و خواص آن و حتی خود بناست اما کار بنا فقط جابه جا کردن مواد و چینش آنهاست، مصنوعات بشری در بقا به انسان وابسته نیستند، مثلاً مسجد گهرشاد هم چنان وجود دارد با وجود این که بنای آن از دنیا رفته است؛ مانند رابطه ساعت و ساعت ساز. (رضایی بقا) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۹)
- ۵- گزینه «۲» - بیت «به هر جا بنگرم کوه و در و دشت ...» با آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» و هم چنین حدیث امام علی (ع) «مَا رَأَيْتُ شَيْئاً إِلَّا وَ رَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ» ارتباط دارد؛ ولی در این سوال، آیه مورد نظر است نه حدیث (رد گزینہ های «۳» و «۴»). این بیت اشاره به شناخت صفات و اسماء خداوند از راه شناخت مخلوقات دارد. (رضایی بقا) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۱۱)
- ۶- گزینه «۱» - امام علی علیه السلام: «خدای من! مرا این عزت بس که بنده تو باشم و این افتخار بس که تو پروردگار منی، خدای من! تو همان گونه ای که من دوست دارم، پس مرا توفیق ده تا آن گونه که تو دوست داری باشم.
(احدزاده) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحه ۱۸)
- ۷- گزینه «۳» - با گفتن عبارت «لا اله الا الله» تمام احکام و حقوق اسلامی فرد به رسمیت شناخته می شود و دفاع از حقوق او بر دیگر مسلمانان واجب می گردد و در زمره برادران و خواهران دینی قرار می گیرد. (احدزاده) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحه ۱۹)
- ۸- گزینه «۲» - این آیه خلاصه آیات سابق و ماحصل احتجاج رسول خدا (ص) با مشرکان است، لذا به پیامبر امر می کند که به مشرکان بفرماید، مدبر و مالک آسمان ها و زمین کیست؟ آن گاه دستور می دهد که آن حضرت خود در جواب بگوید: «اللَّهُ» چون مشرکان معاند به جهت لجبازی حاضر به اقرار به توحید نبودند و تلویحاً می فهماند که مشرکان اهل حجت و استدلال نیستند و حرف حساب را تصدیق نمی کنند، آن گاه به کمک آن نتیجه دوم را گرفته و آن این است که مقتضای ربوبیت خدا این است که خدا مالک همه نفع ها و ضررها باشد.
(احدزاده) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحه ۲۲)
- ۹- گزینه «۳» - بررسی موارد:
الف) قرآن کریم استفاده از اسباب و واسطه ها را نه تنها منع نکرده بلکه از مؤمنان درخواست کرده که از این امور بهره ببرند
ب) مهم ترین اعتقاد دینی، توحید و یکتاپرستی است.
ج) توحید در ربوبیت، بدان معنا نیست که موجودات - به خصوص انسان - قدرت تدبیر ندارند.
د) رب به معنای مالک و صاحب اختیاری است که تدبیر و پرورش مخلوق به دست او است.
ه) از آنجا که خداوند تنها خالق جهان است؛ پس تنها مالک آن نیز هست.
و) اگر کسی معتقد باشد که این جهان را چند خالق آفریده، گرفتار شرک در خالقیت شده است.
(احدزاده) (پایه دوازدهم - درس دوم - ترکیبی)
- ۱۰- گزینه «۲» - قرآن کریم اخلاق، احکام و همه اعمال فردی و اجتماعی مؤمنان را بر مدار توحید قرار داده است. توحید مانند روحی در پیکره معارف و احکام دین حضور دارد و به آن حیات و معنا می بخشد. توحید به معنای اعتقاد به خدای یگانه است؛ یعنی خدا بی همتاست و شریکی ندارد و این بیانگر اصل و حقیقت توحید است. موضوع اصل و حقیقت توحید، کلید واژه «الواحد» در عبارت قرآنی «وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» و او یکتای مقتدر است»، تبیین گردیده است. (رضایی بقا) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحات ۱۸ و ۲۳)
- ۱۱- گزینه «۳» - این که خداوند حق تغییر و تصرف، ولایت و فرمانروایی در جهان را دارد، تابع و نتیجه مالکیت خداست و این که پیامبر، واسطه و رساننده فرمان الهی به بندگان است، بیانگر ولایت الهی و برخاسته از مالکیت است. توحید در مالکیت در آیه «وَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ» مطرح شده است. (رضایی بقا) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحه ۱۹)
- ۱۲- گزینه «۳» - طبق آیه «أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقِ عَلَيْنَهُمْ» در صورتی که شریکان دروغین آفرینشی داشتند، امکان مشتبه شدن توحید در خالقیت، امکان داشت.
کلید واژه «قَهَّار» به معنای مقتدر است و در آیه «وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» به آن اشاره گردیده است.
(رضایی بقا) (پایه دوازدهم - درس دوم - صفحات ۲۲ و ۲۳)
- ۱۳- گزینه «۳» - ماجرای عزیر نبی (ع) به امکان معاد با اشاره به نمونه هایی از زنده شدن مردگان دارد و عزیر نبی (ع) به چشم خود زنده شدن الاغ را دید و گفت: می دانم که خدا بر هر کاری تواناست. (فرهنگیان) (پایه دهم - درس چهارم - صفحه ۵۱)
- ۱۴- گزینه «۱» - پاسخ سوال از دقت در ترجمه آیات زیر به دست می آید:
«انسان شک در وجود معاد ندارد» بلکه [علت انکارش این است که] او می خواهد بدون ترس از دادگاه قیامت، در تمام عمر گناه کند.
آنان «دوزخیان» پیش از این «در عالم دنیا» مست و مغرور نعمت بودند و بر گناهان بزرگ اصرار می کردند و می گفتند: «هنگامی که ما مردیم و استخوان شدیم، آیا برانگیخته خواهیم شد؟!» (احدزاده) (پایه دهم - درس چهارم - صفحه ۵۴)
- ۱۵- گزینه «۴» - عبارت شریفه «وَ أَنْتُمْ إِيَّانَا لَا تُرْجَعُونَ» به آخرت و بازگشت به سوی خدا با طرح یک پرسش استفهامی اشاره دارد و زندگی دنیا بدون آخرت، بیهوده و لغو است. در نتیجه این عبارت عبث آفرینی خلقت را رد می کند.
خداوند حکیم است و لازمه حکمت خدا این است که هیچ کاری از کارهای او بیهوده و عبث نباشد.
(احدزاده) (پایه دهم - درس چهارم - صفحه ۵۲)

۱۶- گزینه «۱» - یکی از دلایلی که سبب می‌شود عده‌ای دست به انکار معاد بزنند، این است که چنان واقعه بزرگ و با عظمتی را با قدرت محدود خود می‌سنجند و چون آن را امری بسیار بعید می‌یابند، به انکار آن می‌پردازند. (چون چنان واقعه بزرگ و با عظمتی را با قدرت محدود خود می‌سنجند و چون آن را امری بسیار بعید می‌یابند، «علت» پس به انکار آن می‌پردازند. «معلول»)
حال آن که بعید «دور» بودن چیزی برای انسان هرگز دلیل بر غیرممکن بودن «امکان‌ناپذیر» آن نیست. (این جمله یعنی ممکن است حتی چیزی که خیلی دور از ذهن ماست اتفاق بیفتد.)

از این رو، قرآن یکی از انگیزه‌های انکار معاد را نشناختن قدرت خدا «جهل به قدرت خدا انگیزه انکار معاد» معرفی می‌کند و دلایل و شواهد زیادی می‌آورد تا نشان دهد معاد امری ممکن و شدنی «امکان‌پذیر» است و خداوند بر انجام آن تواناست.
(احدزاده) (پایه دهم - درس چهارم - صفحه ۵۰)

۱۷- گزینه «۲» - عدل یکی از صفات الهی است. خداوند عادل است و جهان را بر عدل استوار ساخته است.
زندگی انسان‌ها نیز داخل این نظام عادلانه قرار دارد؛ از این رو، خداوند وعده داده است که هر کس را به آنچه استحقاق دارد برساند و حق کسی را ضایع نکند.

مجازات بسیاری از کسانی که به دیگران ستم کرده‌اند، در این دنیا عملی نیست. برای مثال، مجازات کسی که افرادی را به قتل رسانده یا مانع رشد استعدادها و بسیاری از انسان‌ها شده است، در این جهان ممکن نیست و اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی‌اش برساند و حق مظلوم را بستاند بر نظام عادلانه خداوند ایراد وارد می‌شود. (احدزاده) (پایه دهم - درس چهارم - صفحه ۵۳)

۱۸- گزینه «۴» - شخصی از امام کاظم (ع) درباره وضع مؤمنان پس از مرگ پرسید: آیا مؤمن به دیدار خانواده خویش می‌آید؟ فرمود: آری. پرسید: چه قدر؟

فرمود: برحسب مقدار فضیلت‌هایش. برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه.
رسول خدا می‌فرماید: هر کس سنت و روش نیکی را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنت عمل می‌کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می‌گذارند، بدون اینکه از اجر انجام‌دهنده آن کم کنند و هر کس سنت زشتی را در بین مردم مرسوم کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می‌گذارند، بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند.

(احدزاده) (پایه دهم - درس پنجم - صفحات ۶۳ و ۶۴)

۱۹- گزینه «۲» - آیه ۹۷ سوره ی نساء می‌فرماید:
«فرشتگان به کسانی که روح آنان را دریافت می‌کنند درحالی‌که به خود ظلم کرده‌اند، می‌گویند: شما در (دنیا) چگونه بودید؟ گفتند: ما در سرزمین خود تحت فشار و مستضعف بودیم. فرشتگان گفتند: مگر زمین خدا وسیع نبود که مهاجرت کنید؟»
(احدزاده) (پایه دهم - درس پنجم - صفحه ۶۲)

۲۰- گزینه «۳» - بررسی عبارات:

الف) پس از مرگ اگرچه بدن حیات خود را از دست می‌دهد؛ اما روح هم چنان به فعالیتش ادامه می‌دهد.

ب) در عالم برزخ، انسان اموری را درک و مشاهده می‌کند که درک آن‌ها در دنیا ممکن نبود.

ج) پرونده برخی اعمال انسان با مرگ بسته نمی‌شود و پیوسته بر آن افزوده می‌گردد.

د) کسی که راه و رسم غلط و مخالف فرمان الهی را از خود برجای می‌گذارد، تا وقتی آثار این راه و رسم غلط در فرد یا جامعه باقی است، گناه در دفتر اعمال وی ثبت می‌شود و روزبه‌روز بر عذاب وی افزوده می‌شود.

ه) اعمال خیری که بازماندگان برای درگذشتگان انجام می‌دهند، در وضعیت آنان در عالم برزخ مؤثر است.

(احدزاده) (پایه دهم - درس پنجم - ترکیبی)

۲۱- گزینه «۴» - «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا»

آن‌گاه که مرگ یکی از آن‌ها فرا رسد می‌گوید: «پروردگارا! مرا بازگردانید باشد که عمل صالح انجام دهم؛ آنچه را در گذشته ترک کرده‌ام هرگز! این سخنی است که او می‌گوید» (احدزاده) (پایه دهم - درس پنجم - صفحه ۶۱)

۲۲- گزینه «۱» - «شنیده شدن صدایی مهیب: صدایی مهیب و سهمگین آسمان‌ها و زمین را فرا می‌گیرد و این اتفاق چنان ناگهانی رخ می‌دهد که همه را غافل‌گیر می‌کند.

در مرحله دوم قیامت بار دیگر بانگ سهمناکی در عالم می‌پیچد و حیات مجدد انسان‌ها آغاز می‌شود. با این صدا، همه مردگان دوباره زنده می‌شوند و در پیشگاه خداوند حاضر می‌گردند. (احدزاده) (پایه دهم - درس ششم - صفحه ۷۱)

۲۳- گزینه «۳» - پیام‌های آیات:

فرشتگان متعدّد، مسئول حفظ و حراست از انسان‌ها هستند. «لِحَافِظِينَ»

فرشتگان، مسئول ثبت و ضبط کارهای انسانند. «كِرَامًا كَاتِبِينَ»

فرشتگان مراقب، در ثبت اعمال برخورداردی کریمانه دارند. «كِرَامًا كَاتِبِينَ»

فرشتگان هم متعدّدند، هم تیزبین و هم ریزبین. «يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ»

توجه به ثبت اعمال توسط فرشتگان معصوم، سبب حیا و تقوای انسان می‌شود. «يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ»

(احدزاده) (پایه دهم - درس ششم - صفحه ۷۳)

۲۴- گزینه «۴» - تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد. خورشید در هم می‌پیچد و بی‌نور و تاریک می‌شود آن همه ستاره‌ای که در آسمان می‌درخشید، همه به یک باره تیره می‌شوند، زمین به شدت به لرزه در می‌آید و خرد می‌شود. کوه‌ها در هم کوبیده شده و متلاشی می‌شوند و هم چون ذرات گرد و غبار در هوا پراکنده می‌گردند. دریاها با آن همه وسعت و عظمت به هم متصل می‌شوند و از درون آن‌ها آتش زبانه می‌کشد. این تغییرات چنان گسترده و عمیق است که آسمان‌ها و زمین به آسمان‌ها و زمینی دیگر تبدیل می‌شوند.

(احدزاده) (پایه دهم - درس ششم - صفحه ۷۱)

۲۵- گزینه «۱» - بدکاران از مشاهده گواهی اعضای خویش به شگفت می آیند و خطاب به اعضای بدن خود با لحنی سرزنش آمیز می گویند که چرا

علیه ما شهادت می دهید؟

وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ

آن‌ها به اعضای بدن خود می گویند: چرا بر ضد ما شهادت می دهید؟ می گویند: ما را خدایی به سخن آورد که هر چیزی را به سخن آورد.

(احدزاده) (پایه دهم - درس ششم - صفحه ۷۳)